

بررسی پیامدهای بی‌ثباتی در افغانستان بر مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان

مریم پویا^۱

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

چکیده

افغانستان که یکی از همسایگان شرقی ایران است همواره صحنه جنگ و بی‌ثباتی، درگیری‌ها و خشونت‌های فرقه‌ای بوده است. این پژوهش بدنبال تبیین و تشریح تأثیرات تحولات داخلی و بی‌ثباتی‌های موجود در ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور افغانستان بر امنیت جامعه ایرانی به ویژه در منطقه سیستان و بلوچستان از سال ۱۳۵۷ تاکنون است هدف اصلی پژوهش بررسی و تحلیل پیامدهای بی‌ثباتی در افغانستان بر مسائل سیاسی-امنیتی-اجتماعی و فرهنگی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد: فرضیه اصلی که در این پژوهش پیگیری شده عبارت از: بحران و بی‌ثباتی در افغانستان موجب افزایش تردهای غیرمجاز، گسترش قاچاق، اقدامات ضد امنیتی و ... در استان سیستان و بلوچستان شده است روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای دنبال شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مجاورت جغرافیایی ایران با افغانستان طی سه دهه اخیر، باعث افزایش خشونت‌ها و تروریست‌های فرقه‌ای؛ به منطقه سیستان و بلوچستان و تهدیدات امنیتی ناشی از آن برای ایران بوده است. وقوع حوادثی همچون آدم‌ربائی، انفجارهای تروریستی، کشتار و غیره و همین‌طور درگیری‌های نیروهای نظامی و انتظامی با عوامل شرور در مناطق مرزی صحت این ادعا را اثبات می‌کند.

واژگان کلیدی: افغانستان، سیستان و بلوچستان، بی‌ثباتی، سیاسی، اجتماعی

مقدمه

کشور ایران بدلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه با مخاطرات، چالش‌ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود روبه‌رو است. وجود ترتیبات امنیتی منطقه‌ای در اکثر مناطق جهان موجب شده است که کشورهای آن مناطق از سطحی مناسب از ثبات و امنیت برخوردار شوند. خاورمیانه یکی از مناطق استثنائی جهان به شمار می‌رود که هنوز هیچ‌گونه ترتیبات امنیتی توافق شده و پایداری در آن ایجاد نشده است. این منطقه همچنان با حجم وسیعی از بی‌ثباتی و ناامنی مواجه است و حتی با وجود موفقیت مناطق عمده جامعه بین‌الملل و کشورهای منطقه‌ای در استقرار نظام امنیتی جامع و پایدار و با وجود برخی تلاش‌های انجام گرفته هنوز هیچ‌گونه نشانه‌ای جدی از استقرار این گونه نظام امنیتی در محیط پیرامونی ایران به چشم نمی‌خورد. عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در عرصه‌ی خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و منابع عظیم نفت و گاز در آن در نتیجه تقویت حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی، فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده (مانند افغانستان و پاکستان) و عدم اعتماد بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر حائز اهمیت است. با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص مرزهای جنوب شرقی ایران و تأثیرگذاری عوامل مختلف در سطوح فراملی، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امنیت آن، هر گونه ترتیبات امنیتی موفق مستلزم در نظر گرفتن تمامی عوامل و مؤلفه‌های فوق با رویکردی تدریجی و فراگیر است. در این پژوهش با استفاده از منابع مختلف و با استفاده از روش مطالعه‌ی توصیفی - تحلیلی به مواردی از مسائل مختلف در خصوص چالش‌های موجود استفاده شده است. و با توجه به ماهیت موضوع، از روش کتابخانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات از کتب؛ مجلات علمی، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و شبکه جهانی اینترنت استفاده شده است.

مفاهیم و مبانی نظری

مفهوم امنیت و انواع آن

اصولاً امنیت یک امر نسبی است. در این زمینه «آزگود» معتقد است که امنیت کیفیتی نامشخص است و امری نسبی است نه مطلق، نسبی بودن مفهوم امنیت بخش انتزاعی بوده و نبود تعریف مشخصی از این مفهوم حاصل پیوند با مفاهیم نسبی دیگری نظیر منافع ملی، قدرت ملی، اقتدار ملی و ... است (نوریان، ۱۳۸۷: ۸۶) در جهان واقعی دستیابی به امنیت مطلق غیرممکن است و هیچ‌کشوری نمی‌تواند از امنیت تام برخوردار باشد. زیرا امنیت مطلق برای یک کشور به معنی عدم امنیت مطلق برای دیگران است.

امنیت بیش از آنکه واقعیتی عینی و بیرونی باشد، ماهیتی ذهنی و گفتمانی دارد. مفهوم امنیت صرفاً در یک رابطه همبستگی و یا جانشینی با مفاهیم دیگری همچون قدرت، منافع، اهداف، مصالح، تهدیدات و ... که همگی مفاهیمی مبهم، توسعه نیافته و سیال می‌باشند. مصداق می‌یابد (قاسم‌پور، ۱۳۸۸: ۲۶).

امنیت ملی

امنیت ملی یکی از ارزشمندترین و بالاترین ثروت‌ها به شمار می‌رود که براین اساس مفهوم امنیت ملی برای دولت - ملت از چندان قداست والائی برخوردار است که ضروری است تمامی اهداف و سیاست‌های ملی را برای

دستیابی به آن بسیج کرد. (کاظمی پور، ۱۳۷۶: ۳۳) اصولاً امنیت یک مفهوم چند وجهی است و به همین علت در باره‌ی معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد. (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۵)

امنیت اقتصادی

مفهوم امنیت اقتصادی در خلال جنگ سرد، در کشاکش بالا بردن موازنه قدرت، ابتدا در بلوک غرب مطرح شد. در کنار پیمان‌های نظامی، بلوک‌های اقتصادی نیز در سطح منطقه‌ای شکل گرفت. اما شکل‌گیری در نظریه‌هایی با مفهوم امنیت اقتصادی به طور مشخص پس از جنگ سرد آغاز شد. به طوری که امنیت اقتصادی به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت ملی مطرح گردید (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۱۲). امنیت تولیدی، مالی و تجاری مهمترین اولویت‌های امنیت ملی کشورها در نظام اقتصاد سیاسی جهانی اند. نقش و جایگاه کلیدی امنیت اقتصادی در تأمین امنیت ملی کشورها، بیانگر این واقعیت است که کشوری که فقیر یا ضعیف است یا از جایگاه قابل قبولی در اقتصاد جهانی و تولید ثروت برخوردار نیست، مشکلات امنیتی دارد. بنا بر این، هر دولتی در جهان در حال توسعه، که تلاش می‌کند به سیاست‌های امنیتی کارآمد دست یابد و ثبات و امنیت خود را ارتقاء بخشد، باید توان اقتصادی خود را تقویت کند (پور احمدی، ۱۳۸۴: ۳۳). جنبه‌های اصلی امنیت اقتصادی عبارتند از: رشد اقتصادی و توزیع اقتصادی کالاها و خدمات. هدف امنیتی در این رابطه افزایش سلامتی اقتصاد ملی از طریق بهبود نسبی آن در مقایسه با دیگر کشورها میباشد (ماندل، ۱۳۷۷: ۱۰۸). یکی دیگر از تعاریف پذیرفته شده امنیت اقتصادی عبارت است از: "مقدار تولید کالاها و خدمات توسط یک کشور تحت شرایط آزاد و عادی بازار که قابل عرضه در بازارهای بین‌المللی بوده و هم‌زمان در آمد واقعی شهروندان را نیز افزایش دهد (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۸).

امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی عبارت است از آرامش و آسودگی خاطری که هر جامعه موظف است برای اعضای خود ایجاد نماید. امنیت اجتماعی را غالباً به انواع شغلی، اقتصادی، سیاسی و قضائی تقسیم کرده‌اند (صفوی، ۱۳۸۱: ۳۳). امنیت اجتماعی در حقیقت حد فاصلی است از امنیت ملی که برای مردم یک جامعه ملموس و عینی بوده و با آن به طور روزمره سر و کار دارند. امنیت اجتماعی مبنای قضاوت در مورد میزان وجود امنیت به مفهوم کلی در جامعه بوده و توانائی دولت‌ها با آن سنجیده می‌شود. به اعتباری امنیت اجتماعی را می‌توان در طبقه‌بندی و سلسله مراتب امنیت در طبقات پایین قرار داد. امنیت اجتماعی زیربنای امنیت ملی در مراحل بالاتر محسوب می‌شود و به نوعی ابتدائی‌ترین وظایف دولت‌ها برقراری امنیت اجتماعی است. از حیث نظری نا‌هنجاریهای اجتماعی، قتل، سرقت، گسترش مواد مخدر، گسیختگی‌های اخلاقی، منازعات قومی و بحران‌های هویت در بحث امنیت اجتماعی مطرح می‌باشند (ربیع، ۱۳۸۳: ۱۵۰).

امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی عبارت است از احساس آرامش و فقدان هرگونه تهدید و تعرض نسبت به باورها، اعتقادات، آداب، سنن و زبان و نیز انجام آزادانه عبادات، مناسک و موازین مذهبی افراد و اشخاص به سبب نقش و جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جامع بشری دارد به علت نفوذ گسترده و مؤثر فرهنگ بر همه ابعاد

زندگی بشری و نیز تأثیری که مسائل فرهنگی بر سایر بخش‌ها دارد. تأمین امنیت فرهنگی موقعیت و حساسیت بیشتری دارد. هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فکری و فرهنگی و یا آرامش ذهنی و روانی، به امنیت سیاسی و اجتماعی پایدار نمی‌رسد، زیرا رفتار و حرکات انسان تا حدود زیادی برخاسته از باورها، اعتقادات و اندیشه‌های درونی اوست رفتار و اعمال انسان در حقیقت نمود عینی و خارجی اندیشه‌ها و موج‌های ذهنی است که در بیرون به شکل‌های مختلف ظاهر می‌شوند. بر این اساس، ارتقای فرهنگی، موجب می‌شود تا امنیت اجتماعی ارزش پیدا کند و با افزایش امنیت اجتماعی، موجبات امنیت اقتصادی و سیاسی نیز فراهم شود (غلامی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

امنیت سیاسی

امنیت سیاسی، بحث ثبات سیاسی و سارمانی کشورها و سیستم حکومتی و همچنین ایدئولوژی که به آنها مشروعیت می‌دهد را در نظر می‌گیرد (صفوی ۱۳۸۱: ص ۳۱). امنیت سیاسی معنایش این است. که تفکرات و معارف اسلامی در جامعه، معارف واضح و دور از نفاق دو گونه اندیشی باشد.

چالش‌های امنیتی در محیط پیرامونی ایران همواره با چالش‌ها و مشکلات متعدد و متداوم روبرو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های این محیط امنیتی بازتولید شده است به گونه‌ای که این کشور هنوز نتوانسته است در هیچ کدام از این حوزه‌ها شاهد شکل‌گیری چارچوب امنیتی پایدار و با ثباتی به توافق برسد. در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در برمی‌گرفت. اکنون نیز این مسأله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی؛ دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چند بعدی و تنگاتنگ دارند، در این میان، بنظر می‌رسد. دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار چالشی اساسی تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای می‌باشد. دولت‌های ضعیف و شکننده در افغانستان و پاکستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی شده و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را فراهم ساخته است. در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها زمینه‌ای را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم نموده است. این مسائل با توجه به ساختار قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت و ملت سازی باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلالات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مذهبی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی از کشورهای آسیای مرکزی از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته است و این امر نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است در افغانستان و پاکستان نیز افراط‌گرایی و تروریسم همچنان به واسطه عوامل سیاسی - اجتماعی و مؤلفه‌های بیرونی ادامه حیات می‌دهد و ثبات و امنیت منطقه‌ای را به شدت متأثر می‌سازد (اسنایدر، ۱۳۸۰: ۲۹۵).

حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خاورمیانه در سال‌های اخیر و به ویژه بعد از یازده سپتامبر مداخلات فرامنطقه‌ای افزایش قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. آمریکا بعد از یازده سپتامبر رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و بر این اساس با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام و افغانستان و عراق مبادرت ورزید. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف و تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیرهمکار کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد امنیت هژمونیک را به عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد.

این نظام‌های سیاسی ناپایدار علاوه بر تعدد، تنوع چشمگیری نیز داشته است و بنیان فکری و عقیدتی آنها نیز بسیار متزلزل بوده است. بگونه‌ای که از حکومت سلطنتی به جمهوری و از جمهوری به حکومت کمونیستی، از کمونیستی به اسلامی تغییر نموده و در اکثر این تحولات ردپای کشورهای دیگر و وقوع جنگ‌های داخلی و اشغال این کشور توسط سایر کشورها به چشم می‌خورد.

ایران در منطقه‌ای قرار دارد که همواره از پیامدهای بحران زای موجود در کشورهای همسایه رنج برده است باید به این واقعیت تلخ تا ژانویه ۲۰۰۱ م اقرار کرد که جمهوری اسلامی ایران از نظر میزان و سهم منابع تنش و تهدید ملموس و واقعی در فضای پیرامونی خود بین ۲۰۰ کشور جهان در شمار یازده کشور پر تهدید جهان قرار دارد (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۲۲۰).

دولت بی‌ثبات

مفهوم دولت بی‌ثبات و دولت‌های ضعیف در سال‌های اخیر، بویژه با کانونی شدن تروریسم در سیاست بین‌الملل، به مفهومی مهم در مطالعات امنیتی تبدیل شده است. بر اساس دیدگاه وبری "دولت بی‌ثبات دولتی است که انحصار کاربرد مشروع زور در درون مرزهای خود را از دست داده باشد و قادر به باز تولید نظم سیاسی در این عرصه نباشد." بر اساس این تعریف مهمترین ویژگیهای دولت بی‌ثبات عبارتند از:

- ۱- از میان رفتن قدرت دولت برای تصمیم‌سازی جمعی.
- ۲- ناتوانی در فراهم آوردن خدمات عمومی اولیه.
- ۳- ناتوانی در تعامل با سایر دولت‌ها به عنوان عضوی برابر در جامعه بین‌المللی.
- ۴- ناتوانی در تامین امنیت فیزیکی شهروندان (۷۴۸: ۱۳۸۴ دوئرتی و فالتزگراف).

منطقه‌ی مورد مطالعه

افغانستان سرزمینی کوهستانی و محصور در خشکی است که در قلب قاره آسیا جای گرفته است. این سرزمین در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی و در محدوده آسیای میانه واقع است. مساحت آن ۶۵۲,۲۲۵ کیلومتر مربع و چهل و یکمین کشور جهان از نظر پهناوری به‌شمار می‌آید.

طول مرزهای افغانستان حدود ۵۸۰۰ کیلومتر است که شامل ۲۳۸۴ کیلومتر در شمال با جمهوری‌های تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان، ۲۲۴۰ کیلومتر از شرق و جنوب با پاکستان، ۷۳ تا ۹۳ کیلومتر از سمت شمال خاوری از راه تنگه واخان با استان مسلمان‌نشین سین‌کیانگ (سنجان) جمهوری خلق چین و ۸۵۵ تا ۹۳۰ کیلومتر در غرب با ایران

(که ۶۱۹ کیلومتر آن با استان خراسان است)، می‌باشد. بیشترین فاصله شرق تا غرب افغانستان ۱۲۴۰ کیلومتر، شمال تا جنوب آن ۸۵۵ کیلومتر و کمترین فاصله آن با آب‌های آزاد جهان نزدیک به ۵۰۰ کیلومتر است. بخش‌های گسترده‌ای از خاک افغانستان، بیشتر در شمال و شرق کشور، را کوه‌ها و سنگلاخ‌ها پوشانده‌است. کوه‌های هندوکش به طول ۶۰۰ و عرض ۱۰۰ کیلومتر از سمت شمال شرقی به غرب و جنوب غربی کشیده شده و تقریباً از میانه کشور می‌گذرد. این کوه‌ها بیش از نیمی از سرزمین افغانستان را فرا گرفته و برای شهرهای کابل، قندهار و هرات ارزش راهبردی مهمی ایجاد کرده‌است. این کوه‌ها هر اندازه که به سوی غرب امتداد می‌یابند از ارتفاع آن‌ها کاسته شده و در نزدیکی مرزهای ایران تبدیل به کوه‌ها و تپه‌های کم ارتفاع می‌گردند. در بلندی‌های هندوکش همواره برف وجود دارد. حتی در تابستان‌ها نیز قله‌ها و یخچال‌ها پر برف است. در میان کوهستان‌های هندوکش، دره‌های ژرف، خوش آب و هوا، زیبا و حاصلخیزی وجود دارد که محیط مساعدی برای پرورش دام و تولید میوه است.

افغانستان از نظر طبیعی سرزمین افراط و تفریط است. کوه‌های سر به فلک کشیده، دره‌های ژرف، باران‌های بهاری و تابستان‌های خشک، زمستان‌های بسیار سرد و تابستان‌های گرم، بلندی‌های پوشیده از برف در طول سال و سرزمین‌های پست و خشک و سوزان. این افراط و تفریط در زندگی اجتماعی نیز وجود دارد. میزان لرزه خیزی افغانستان به حیث کمیت و شدت از بالاترین‌ها در جهان می‌باشد. زلزله‌های این کشور تا هزاره دوم پیش از میلاد شناسایی شده. در کوه خواجه تا کنون چندین زلزله با شدت بالای ۷ ثبت گردیده است. (برجیان، ۱۳۷۶، صص ۱۷۹-۲۰۰).

سرزمین افغانستان در درازای تاریخ مدافع تهاجم به هند بوده‌است. جنگجویان بسیاری چون شاهنشاهان هخامنشی، اسکندر مقدونی، محمود غزنوی، تیمور گورکانی، و نادر شاه افشار از پیچ و خم کوه‌ها و دره‌های این کشور خود را به هندوستان رسانده‌اند. علاوه بر این تا پیش از کشف راه‌های آبی در سده‌های اخیر و سپس گسترش راه‌های هوایی، خط مسیر بازرگانی شرق به غرب از دشت شمالی آن می‌گذشت. گذرگاه کاروان‌های جاده ابریشم از این سرزمین بوده که بیشتر از راه قندهار به هند و از راه بلخ به چین می‌رفت. پس از کشف راه‌های آبی و سپس گسترش راه‌های هوایی، افغانستان مانند سایر سرزمین‌های آسیای میانه به منطقه‌ای بن‌بست تبدیل شد و گذر هیچ بیگانه‌ای به آنجا نیفتاد. همچنین کوهستان‌های افغانستان سپر راهبردی استواری میان آسیای شمالی و آسیای جنوبی است.

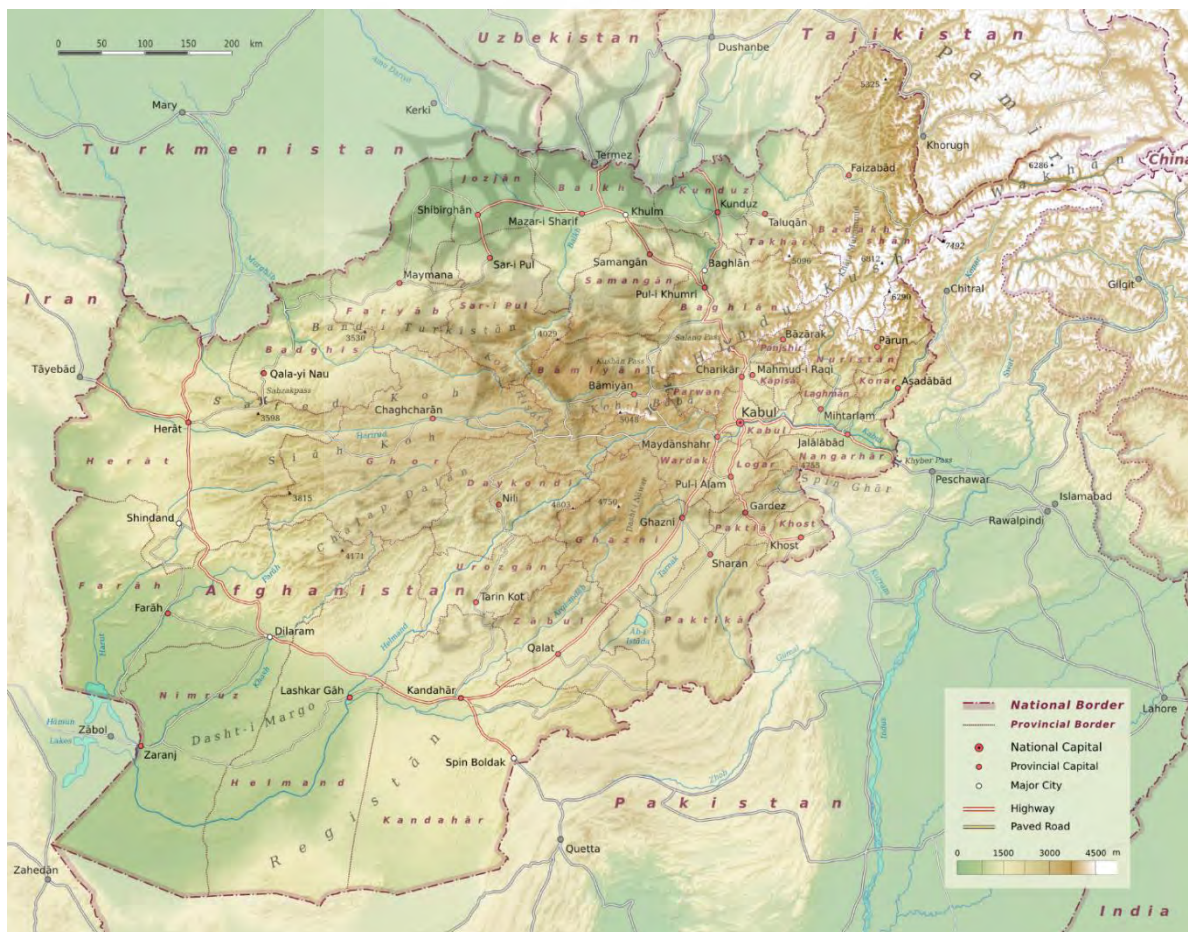
طبیعت افغانستان به خاطر بلندی‌های سر به فلک کشیده و رودخانه‌هایی که از آن سرچشمه می‌گیرد، زیباست و تنوع آب و هوا در آن مشهود است. زمستان‌های بسیار سرد (تا ۲۰ درجه زیر صفر) و تابستان‌های بسیار گرم (تا ۴۰ درجه بالای صفر) است.

آب و هوا از یک استان به استان دیگر و از یک شهر به شهر دیگر تفاوت دارد. بارندگی نیز در نقاط گوناگون، متفاوت است و بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ میلی‌متر در نوسان است. این مقدار در مناطق شرقی بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ و در مناطق غربی و جنوب غربی بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی‌متر است. در مناطق مرکزی به علت وجود بلندی‌ها و بارندگی بیشتر، هوا

از ناحیه‌های دیگر سردتر است ولی در مناطق جنوبی و غربی به علت کمی بارندگی هوا گرم‌تر بوده و دارای تابستان‌های گرم و خشک و زمستان‌های معتدل‌تر است.

در بخش‌های کوهستانی به علت برف و یخبندان ارتباط روستاییان و قبایل نیمی از سال با یکدیگر می‌گسند و آب و هوا تأثیر بسیاری در پراکندگی و جدایی جمعیت دارد. منابع آب زیرزمینی افغانستان نسبتاً غنی است. در شهر کابل آب در ژرفای ۳-۴ متری زمین قرار دارد ولی به دلایل فنی کمتر از آب زیرزمینی استفاده شده و بیشتر مردم افغانستان با مشکل کمبود آب آشامیدنی و آب کشاورزی روبرو هستند. تنها ۲۲٪ مردم در این کشور به آب‌های سالم مصرفی دسترسی دارند (۳۹٪ شهرها، ۱۸٪ روستاها).

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در آسیای جنوبی است. این کشور حد فاصل آسیای میانه و خاورمیانه و پایتخت آن کابل است. همسایگان افغانستان، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی هستند به نقشه ذیل مراجعه کنید (عکس شماره ۱).



عکس شماره ۱:

منبع: ویکی پدیا

مرزهای سیستان و بلوچستان، از شمالی ترین نقطه در دهانه ذوالفقار تا محل طلاقسه کشور ایران، افغانستان و پاکستان در محل ملک سیاه کوه و از آنجا تا خلیج گواتر واقع در دریای عمان، به نحو آشکار و پنهان، با سلطه طلبی

و قدرت نظامی بریتانیا شکل گرفته است عرصه‌های مرزی شرق کشور با برخورداری از پیچیدگی های خاص خود، از نواحی است که در دهه‌های اخیر با کاهش شدید جمعیتی، بویژه جمعیت روستایی روبرو بوده است .
مرز افغانستان از دهانه ذوالفقار، مرز مشترک ایران و پاکستان شروع می‌شود که طول مرز ایران و افغانستان ۹۴۵ کیلو متر است که ۲۸۲ کیلومتر آن با استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. این بخشی از مرز بر اساس حاکمیت کلنل ماکماهون انگلیسی بر اساس طرح حکمیت گلداسمید تعیین شده است (نصراللهی، ۱۳۸۹: ۲۲).

دستاورد های علمی پژوهش

گسترش انواع قاچاق

قاچاق مواد مخدر مسأله مواد مخدر به عنوان یک مشکل ملی در اکثر کشورهای جهان و تنوع انواع مواد مخدر و قاچاق بین المللی آن یک مشکل جهانی می‌باشد.

مواد مخدر تأثیر عمیقی هم بر ابعاد فردی و هم ابعاد ملی دارد. در بعد فردی، سلامت و زندگی افراد را با خطر مواجه می‌کند و در بعد ملی موجب بروز معضلات اجتماعی و عدم توسعه یافتگی کشورها می‌گردد. ایرانی یکی از کشورهایی است که در همجواری عمده ترین منطقه تولید و صادرات مواد مخدر جهان قرار دارد. افغانستان منبع اصلی مواد مخدر در این منطقه است همسایگی ایرانبا بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان (افغانستان) و قرار گرفتن در مسیر بازار مصرف این مواد (اروپا و آمریکای شمالی) تأثیر عملی در امنیت مرزهای کشور بطور عام و امنیت مرزهای جنوب شرقی (سیستان و بلوچستان) بطور خاص داشته است. تمامی کشورهایی که در مسیر ترانزیت مواد مخدر تولیدی از مناطق مثلث طلائی (جنوب شرق آسیا) و مناطق تولید در افغانستان و پاکستان به بازارهای مصرف قرار دارند همواره در خطر سربز به توزیع فرایند مخوف هزینه‌های هنگفتی را از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متحمل می‌شوند و سرمایه‌های اجتماعی در آنها رو به زوال و روند رشد و توسعه پایدار در این مناطق با کندی مواجه است (غنمی، ۱۳۸۰: ۶).

یکی از مهمترین پیامدهای کشت و تولید مواد مخدر در افغانستان که به طور مستقیم بر امنیت مرزهای ایران تأثیرگذار است عبارتست از افزایش درگیری های مرزی به دلیل مبارزه با باندهای قاچاق مواد مخدر در عبور از مرز شرقی درگیری مسلحانه خشن ترین و بدترین نوع برخورد نیروی حافظ امنیت با افراد مخل امنیت است. متأسفانه در استان سیستان و بلوچستان در شرق کشور یکی از شایع ترین اقدامات ضد امنیتی درگیری مسلحانه است. طبق آمار سال ۱۳۸۱ تعداد ۸۷ مورد درگیری مسلحانه گزارش شده است که سیستان و بلوچستان بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است همچنین در سال ۱۳۸۷، ۴۵ درصد از کشفیات مواد مخدر توسط نیروی انتظامی به شرق کشور اختصاص یافته است (رزقانی؛ ۱۳۹۱: ۴۷۶).

قاچاق مواد مخدر باعث تسهیل ورود سایر کالاهای قاچاقچیان بین المللی مواد مخدر و حاملان کالاهای کوچک در مناطق مرزی کشور بوده اند که به تدریج به سودآوری و سهولت و امکان و راهکارهای قاچاق مواد مخدر پی برده و به آن روی آورده اند (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۵۷) وضعیت طبیعی نقاط مرزی، وجود مناطق صب العبور و اصطلاحاً نقاط

کور مرزی، ضعف دولت های مرکزی کشورهای همسایه، فضای هرج و مرج و فقدان یک حکومت قدرتمند و فراگیر در کشور افغانستان همگی زمینه‌های مناسبی را برای فعالیت قاچاقچیان فراهم می‌کند. جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با ورود این محموله‌ها ناچار از صرف هزینه‌های بسیار برای کنترل و انسداد مرزها گردیده است به گفته جانشین فرماندهی نیروی انتظامی طی سال های گذشته بیش از یک میلیارد دلار برای انسداد مرزهای شرقی هزینه شده است (رزقانی، ۱۳۹۱: ۵۲).

طبیعی است که با وجه به ممنوعیت خرید و فروش مواد مخدر در ایران و تلاش های نیروی انتظامی برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر بخشی از این مواد در داخل ایران به خصوص منطقه مرزی رسوب کرده و به فروش می‌رسد. به گفته مسئولین امنیتی و انتظامی کشور، قرار گرفتن ایران در مجاورت کانون اصلی تولید مواد مخدر دنیا و مسیر مناسب ایران برای قاچاق مواد مخدر به ترکیه و اروپا از مهمترین دلایل رواج پدیده خانمان سوز اعتیاد در داخل ایران است به گفته جانشین فرماندهی نیروی انتظامی کشور وجود مرز مشترک ۱۵۰۰ کیلومتری ایران با پاکستان و به ویژه افغانستان که عنوان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر دنیا با حجم میانگین تولید سالانه ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تن از دلایل اصلی شیوع پدیده مصرف مواد مخدر در داخل کشور می‌باشد (رزقانی، ۱۳۹۱).

فعالیت و گسترش گروه‌های تروریستی

به دنبال شکست طالبان در افغانستان، این فرض وجود داشت که وضعیت کشور به حالت آرامش و ثبات سیاسی سوق پیدا خواهد کرد، اما حوادث بعدی نشان داد، گروه طالبان و القائده هنوز در افغانستان و حتی در پاکستان فعال هستند و زمینه‌های تروریسم در حال گسترش است. در سال های اخیر، حملات طالبان از نظر کمی و کیفی و تعداد و شدت تهاجم افزایش داشته است نیروهای شبه نظامی، تله‌های انفجاری و یا بمب‌گذاری های انتحاری را شدت بخشیده است.

بر پایه گزارش ارائه شده به کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۸، عملیات ضد ناتو از سوی طالبان گسترش بیشتری داشته است. بر پایه این گزارش، درصد اقدامات تروریستی علیه مردم افغانستان، ۳۰٪ و علیه قوای آمریکا ۴۰٪ درصد درمقایسه با سال ۲۰۰۷ افزایش داشته است (دهمرد، ۱۳۹۰: ۱۶۸).

با توجه به پیوندهای جغرافیائی افغانستان با ایران و مرزهای گسترده جغرافیائی این کشور با ایران که حدود ۹۴۵ کیلومتر است. صدور و گسترش جغرافیای تروریسم در حاشیه جنوب شرقی ایران خطر رو به تزایدی خواهد بود که در وهله اول مخاطرات منطقه‌ای ناشی از جغرافیای تروریسم، کشور ایران را متأثر ساخته است.

قاچاق کالا

وجود مرزهای گسترده با کشور افغانستان، بدون عوامل باز دارنده و وابستگی‌ها و تعلقات قومی و طایفه‌ای، در استان سیستان و بلوچستان وضعیتی را مهیا ساخته است که ساکنان مناطق مرزی به راحتی بتوانند با هم زبانان خود در این دو کشور ارتباط برقرار کنند (سیف، ۱۳۸۷: ۱۴۷). ضعف زیر ساخت های لازم برای توسعه؛ مشکلات بخش کشاورزی، جوان بودن جمعیت، تقاضای فراوان برای مشاغل ساده و غیر تخصصی و محدودیت این مشاغل را که بخش عمده آن نصیب افغانه می‌شود، می‌توان از عوامل اصلی گرایش به قاچاق برشمرد. به طور خلاصه، رشد

جمعیت، نبود زیرساخت های مناسب اقتصادی و بیکاری مهمترین متغیر های تاثیر گذار در پدیده قاچاق کالا و سوخت بوده است و سیاست های اشتغال زای دولت در برنامه‌ی سوم توسعه هیچ تاثیری در پدیده قاچاق سوخت نداشته است (نمکشناس، ۱۳۸۷: ۶۹).

قاچاق سوخت

پیدایش موضوع قاچاق سوخت در ایران از جمله در شرق کشور به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و اشغال افغانستان توسط روس‌ها و متعاقباً مهاجرت گروه کثیری از مهاجرین افغانی به این کشور بر می‌گردد. به طوری که سهولت رفت و آمد ها و برقراری مراودات طرفین با یکدیگر سبب شده تا در شرق کشور خروج فراورده‌های نفتی که به عنوان سرمایه‌های ایران تلقی می‌شود، حرص و طمع افراد سود جو را فراهم نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد تفاوت فاحش قیمت سوخت در دو سوی مرز یکی از عوامل موثر ایجاد انگیزه برای قاچاق سوخت بوده است. از سوی دیگر نیاز مبرم و شدید سوخت در کشور افغانستان و وابستگی صددرصد آن کشور به سوخت وارداتی باعث شکل‌گیری عناصر سود جو و شبکه‌های سازمان یافته قاچاق در دو سوی مرز گردیده است و تشدید این امر زمانی خود را نمایان می‌سازد که کشور مقابل تمایلی به همکاری در مبارزه با قاچاق از خود نشان نمی‌دهد. حتی به نظر می‌رسد که خودشان در برنامه‌ریزی و همکاری عوامل سود جو به دلیل دخیل بودن در منافع شریک می‌باشند. از همه مهمتر کیفیت بالای سوخت ایران نسبت به دیگر کشورهای همسایه افغانستان نیز از دیگر عواملی است که باعث شده تقاضای بیشتری برای سوخت از ایران در دستور کار قاچاقچیان قرار گیرد روش‌ها و نحوه انتقال سوخت به افغانستان علاوه بر اینکه حائز اهمیت است نقش اساسی را ایفاء می‌کند (دهمرد، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

با توجه به تعارض و تضاد منافع ایران با ایالات متحده کشور افغانستان در همسایگی ایران بیشترین تاثیرات امنیتی را در این حوزه تروریستی داشته است این تاثیرات عبارتند از:

- ۱- صدور تروریسم به ایران و شکل‌گیری جریان‌های افراطی مذهبی و قومی در جنوب شرق و شرق ایران، مانند گروه تروریستی جندالله، جیش‌العدل و سایر گروه‌های مشابه.
- ۲- آسیب‌پذیری مرزی و شکل‌گیری گروه‌های مافیایی مواد مخدر و قاچاق و تشدید ناامنی و بی‌ثباتی در مرزهای شرقی
- ۳- شکل‌گیری مرزهایی با کارکرد امنیتی به جای تاکید بر امر توسعه در مناطق مرزی و عدم تبدیل مرزهای شرقی به مرزهای اقتصادی.

۴- تداوم هجوم مهاجرین و آواره شدگان افغانی به ایران به دلیل عدم ثبات و امنیت در کشور افغانستان.

۵- افزایش سطح بی‌اعتمادی بین کشورهای همسایه و جلوگیری از شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای مثبت و کارآ در حوزه امنیتی و سیاسی.

۶- درگیری ایران با پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم تروریسم و افزایش هزینه‌های نظامی و امنیتی ایران (رحیمی، ۱۳۹۰: ۲۴).

این وضعیت به ایران اجازه می‌دهد تا در مورد مهار مخاطرات امنیتی حاصل از شکل‌گیری جغرافیائی تروریسم در افغانستان برنامه‌های امنیتی یک جانبه و چندجانبه را بدست گیرد که خود بر ابعاد پیچیده این مسأله می‌افزاید.

استان‌های مجاور مرزهای جنوب شرقی جمهوری اسلامی ایران خصوصاً استان سیستان و بلوچستان، دقیقا، مشرف بر هلال طلایی است. پیوندهای مذهبی و قومی و قبیله‌ای در این منطقه همراه با قاچاق مواد مخدر و تسلیحات، مهاجرت‌های غیرقانونی و جنایات سازمان یافته، با توجه به نیاز بیشتر این منطقه به توسعه، محیط مستعدی برای گروه‌های مخالف بوجود آورده است (دهمرد، ۱۳۹۰، ۱۶).

حضور نیروهای خارجی در افغانستان

حضور ایالات متحده در کشورهای پیرامون ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی جمهوری اسلام ایران همواره یکی از سیاست‌های اصلی آن در قبال ایران به ویژه در سال‌های اخیر بوده است. همچنین آمریکا سیاست خصمانه چند بعدی را برای تضعیف نظام جمهوری اسلامی ایران در ساختار امنیتی منطقه دنبال می‌کند که تنش سیاسی فرقه‌ای، گسترش ایران هراسی و بهره‌برداری ابزاری از سازمان‌های تروریستی منطقه‌ای برخی از مصادیق آن هستند. در این راستا افزایش بی‌ثباتی امنیتی برای دفاع در برابر گروه‌های تروریستی فرقه‌ای در نظام امنیت استان‌های مرزی، رشد نامناسب زیرساخت‌های امنیت مرزی متناسب با حجم تهدیدهای برون سیستمی و سیاست اجرائی دولتمردان آمریکا برای حضور نظامی بلندمدت در افغانستان باعث شده، فضا برای تحرک گروه‌های تروریستی فراهم شود. آمریکا با حضور خود در منطقه، همواره زمینه‌های ناامنی و بی‌ثباتی منطقه‌ای را فراهم کرده تا حضور بلندمدت خود را توجیه و تثبیت نماید (احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰۰).

جنگ روانی و تبلیغاتی در مناطق مرزی به منظور افزایش شکاف‌های قومی، مذهبی و سیاسی

اصولاً در کشورهایی که ملت «ترکیبی» بوده و از اقوام مختلف تشکیل شده است، زمینه‌های ایجاد بحران‌های امنیتی با شعار قومی فراهم‌تر است. بویژه در شرایط جدید و به واسطه گسترش تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی خودآگاهی قومی به میزان زیادی افزایش یافته و نوعی همبستگی در ورای مرزهای ملی در حال شکل‌گیری است که این وضعیت به ویژه هنگامی که از پشتیبانی و حمایت هدفدار کشورهای خارجی برخوردار باشد از حیث امنیتی می‌تواند برای کلیه حکومت‌ها خطر ساز تلقی گردد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۶).

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس انجام اقدامات تبلیغاتی و جنگ روانی با هدف افزایش شکاف‌های قومی- مذهبی و ایجاد اختلاف و درگیری بین گروه‌های قومی و مذهبی با یکدیگر و نیز با حکومت تحت استراتژی مشهور " اختلاف بینداز و حکومت کن"، همواره یکی از سیاست‌های امپریالیستی قدرت‌های بزرگ بوده است. این مساله در مورد مناطق مرزی ایران با شدت و حدت بیشتری انجام می‌شود چرا که ساختار قومی و مذهبی در مناطق مرزی به گونه‌ای است که اقلیت‌های قومی و مذهبی عمدتاً در حاشیه مرزهای ایران واقع شده‌اند و دنباله‌های قومی و مذهبی اقلیت‌ها به صورت گروه‌های اکثریت در آن سوی مرز در کشورهای همسایه پراکنده هستند. چنین شرایطی زمینه مناسبی را برای سوء استفاده قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا و انگلیس) و حتی رقبای منطقه‌ای ایران نظیر عربستان، پاکستان و افغانستان (طالبان و القاعده) برای استفاده از پتانسیل‌های بحران‌زای قومی و مذهبی مناطق مرزی ایران فراهم کرده است.

در سال‌های اخیر، تلاش برای ایجاد تفرقه و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی به خصوص در مناطق مرزی همانند بلوچستان به شدت افزایش یافته است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۱۴۷).

در کشور ایران و افغانستان به علت همسایگی مسائل تاریخی، فرهنگی، زبانی و دینی از یکدیگر متأثر بوده‌اند. بطور کلی در خصوص تبعات بی‌ثباتی افغانستان در مرزهای ایران، افغانستان با آینده‌ای نامعلوم همچنان در شمار کشورهای بی‌ثبات و چالش خیز جهان باقی خواهد ماند.

در واقع تا زمان روی کار آمدن دولت میانه‌رو، متمرکز و مورد پذیرش تمامی قبایل شمالی و جنوبی، این کشور صادر کننده انواع چالش و معضلات امنیتی و سیاسی به ایران و دیگر همسایگان خود خواهد بود. منابع بحران‌زای این کشور را می‌بایست در عواملی چون فقر، توسعه نیافتگی، رقابت‌های مستمر ژئوپلیتیک همسایگان و قدرت‌های بزرگ، تنش‌های ایدئولوژیک، تولید مواد مخدر و ناهماهنگی‌های قومی و مذهبی جستجو کرد. امروزه مناطق مرزی یکی از حساس‌ترین نقاط کشور به شمار می‌روند شناخت عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بر امنیت این مناطق از اساسی‌ترین نکات در درک آسیب‌پذیری‌های امنیتی به منظور جلوگیری از هرگونه تنش و کنش‌های ضد امنیتی به شمار می‌رود در این راستا استان سیستان و بلوچستان از استراتژیک‌ترین استان‌های کشور از حیث امنیتی و مرزی است که با چالش‌های عدیده‌ای در خصوص مسائل امنیتی، سیاسی و مرزی مواجه است. چالش‌های امنیتی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در مرزهای استان سیستان و بلوچستان هم متأثر از ابعاد داخلی، دوری از مرکز، تنش‌های قومی، مذهبی و..... و هم از ابعاد خارجی (حضور نظامی آمریکا در منطقه، اوضاع متشنج افغانستان و پاکستان و تولید مواد مخدر است. فلذا تلاش در جهت تامین امنیت منطقه‌ی شرقی، ارائه کمک‌های اقتصادی به دولت افغانستان برای بهبود زیر ساخت‌ها، قانونمند کردن ورود و خروج افراد و ترانزیت کالا در گمرکات مرزی دو کشور، جلوگیری از ورود مهاجرین غیر مجاز به داخل کشور، برقراری روابط با کشور افغانستان در محدوده‌ی استان‌های هم‌مرز از جمله راهکارهای عملیاتی برای سامان‌دهی منطقه می‌باشد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، دانشنامه سیاسی، چاپ دوم تهران: انتشارات مروارید.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، شکاف‌های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی، تهران، فصلنامه مطالعات راهبروی، پیش شماره اول.
- افراخته، حسن (۱۳۸۵)، مشکلات نواحی توسعه و شهرهای مرزی، نمونه موردی زاهدان، تهران، دانشگاه تربیت معلم.
- اصغریان، حسین (۱۳۸۸)، تاثیر خارجی نیروهای آمریکا در افغانستان بر ناامنی‌های قومی در سیستان و بلوچستان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد کرج: دانشگاه آزاد اسلامی.
- اخباری، محمد و نامی، محمد حسن (۱۳۸۸)، جغرافیای مرز با تاکید بر مرزهای ایران، تهران انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ابراهیمی، مریم (۱۳۸۸)، تحولات سیاسی و اجتماعی سیستان و بلوچستان ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی؛ تهران: انتشارات بخارا.
- اسماعیلی، بشیر و رضائی، قاسم (۱۳۸۹)، تاملی بر روند گذار افغانستان به دموکراسی، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، سال دوم، شماره ۵.
- امینی، علی رضا (۱۳۸۹)، بررسی عوامل تنش‌زا در مرزهای شرق کشور جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

- اسنایدر، کریگ. ای (۱۳۸۰). ساختارهای امنیت منطقه‌ای، برگردان، محمود عسگری، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۲۱. پاییز.
- بنائی، رضا (۱۳۷۷). آشنائی با مقررات گمرکی و ترخیص کالا، جلد ۴، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
- بیلیس، جان و اسمیت (۱۳۸۳). جهانی شدن و سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، جلد اول، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۷۲). افغانستان جنگ و سیاست، اثرات سیاسی حضور پناهندگان افغانی در خراسان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- پور احمدی (حسین) (۱۳۸۴). اقتصاد سیاسی تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطاتی، تهران: فصلنامه سیاسی - اجتماعی رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۷، پاییز و زمستان.
- توکلی، احد (۱۳۷۲). روابط سیاسی ایران و افغانستان، تهران: انتشارات: مهر.
- تری، تریف و همکاران (۱۳۸۳). نظریه های امنیتی، ترجمه علی رضا طیب و جعفر بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
- حق جو میر آقا (۱۳۸۰). افغانستان و مداخلات خارجی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجلسی.
- حق پناه، جعفر (۱۳۷۷). قاچاق مواد مخدر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۳.
- حیدری، مسعود (۱۳۸۹). مجموعه مقالات مرز و امنیت، زاهدان، دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی.
- جمال، سعید (۱۳۹۱). منابع تنش زا در روابط ایران و افغانستان، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.
- درویش امیر حسین و ایرج اسماعیلی (۱۳۸۴). قاچاق کالا و ارز، نابسامانی اقتصادی و یا جرم، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری اسلامی.
- دهمرد، معصومه (۱۳۹۰). در بررسی و تحلیل چالش های سیاسی امنیتی مرزهای سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.
- ربیعی، علی (۱۳۸۳). مطالعات امنیت ملی (نظریه امنیت ملی در جهان سوم، تهران، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- رضائی، قاسم (۱۳۸۷). دانستی های مرزی، گاهنامه مرزبان، سال اول، شماره ۱.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۸۵). عوامل موثر بر امنیت مرزی با تاکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان، مجله علوم جغرافیایی، شماره نخست، مشهد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- سلطان احمدی، شاهرخ (۱۳۹۱). مجموعه مقالات همایش شهر های مرزی و امنیت، چالش ها و رهیافت ها، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- علی آبادی، علیرضا (۱۳۸۲). افغانستان، تهران: وزارت امور خارجه.
- غلامی، علیرضا (۱۳۸۹). تامین نظم و امنیت پایدار در شهر های مرزی، زاهدان: دفتر تحقیقات کاربردی ناجا، معاونت آموزشی.
- فصیحی، حبیب الله (۱۳۹۱). مجموعه مقالات همایش ملی شهر های مرزی و امنیت، چالش ها و رهیافت ها، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- قویدل، مهدی (۱۳۸۳). نگاه اسرائیل به افغانستان پس از یازده سپتامبر، کتاب آسیا (ویژه افغانستان پس از طالبان) تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر.